



سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

رایزنی فرهنگی اتوپی

# اسلام در اتوپی در گذر زمان

تابستان ۱۳۹۹



## مقدمه :

کشور اتیوپی سرزمینی باستانی با قدمت هزاران ساله و ویژگی های بارز فرهنگی تمدنی است که در گذشته حبشه نامیده می شده است. امپراطوری حبشه از بیش از ۲۵۰۰ سال پیش کشوری قدرتمند و تاثیرگذار در قاره آفریقا بوده و در حوادث سیاسی قاره نیز نقش مثبتی ایفا می نموده است. جدای از جایگاه والای پادشاهی حبشه در آفریقا، این کشور در رویدادهای شبه جزیره عربستان، در بدو ظهور اسلام نیز تا حدودی نقش آفرین بود و پادشاه عادل آن نجاشی که نخستین گروه مسلمانان پناهنده به سرزمینش را به گرمی و مهربانی پناه داد، نام نیکی در تاریخ اسلام از خود بر جای گذاشت و به نوعی شاید این سرزمین را سرزمین برکت نامید، چرا که هسته اسلام افراد تازه مسلمان شده، در این سرزمین رشد و نمو نمود.

## تاریخ اسلام در اتیوپی :

سرزمین حبشه یا اتیوپی فعلی بدلیل نزدیکی با جزیره العرب و شهر مقدس مکه از ابتدا در تماس نزدیک با اسلام و مسلمانان بوده است. در سیره ابن هشام ذکر شده که در زمان کودکی پیامبر (ص)، هنگامی که حلیمه سعدیه حضرت محمد (ص) را به قبیله بنی سعد برده بود، تعدادی از روحانیان حبشی که کودک را مشاهده نمودند علایمی که در کتاب های آسمانی درباره پیامبر بعد از عیسی مسیح (ع) ذکر شده بود را در او یافتند و تصمیم گرفتند کودک را به هر شکل ممکن با خود به حبشه ببرند تا افتخار ظهور پیامبر اسلام نصیب آنان شود.<sup>۱</sup>

در آغاز ظهور اسلام و بعثت پیامبر (ص) که مسلمانان دچار خشم و آزار کفار قبیله قریش بودند و تعقیب و شکنجه مسلمانان فزونی یافته بود، پیامبر اسلام گروهی از آنان را ترغیب به مهاجرت به سوی حبشه نمود. پس از مهاجرت نخست که چهارده مسلمان بودند دومین گروه که جعفر ابن ابی طالب

<sup>۱</sup> سیره ابن هشام، ج ۱۰، ص ۱۶۷



سرپرستی آنها را برعهده داشت از طریق دریای سرخ راهی حبشه شدند و در شهر آکسوم، مورد استقبال نجاشی امپراتور حبشه قرار گرفتند. این سفر در هفتمین ماه از پنجمین سال بعثت در سال ۶۱۵ میلادی انجام شد و نجاشی از تسلیم آنها به فرستادگان قریش خودداری نمود.<sup>۱</sup>

در سال ششم هجرت، هشت فرستاده از سوی پیامبر اسلام به سرزمین های اطراف جزیره العرب سفر کردند و حکمرانان آنها را به اسلام دعوت نمودند. سفیری نیز از جانب پیامبر اکرم(ص) نیز به حبشه

<sup>۱</sup> پس از مهاجرت مسلمانان به حبشه؛ مشرکین که می دیدند مسلمانان از جنگلشان فرار کرده و در حبشه به خوشی و آسایش به سر می‌برند، بر آنان حسادت کردند. از طرف دیگر از نفوذ مسلمانان در حبشه وحشت داشتند زیرا خاک حبشه برای مسلمانان به صورت یک پایگاه محکم درآمد بود و ترس بیشتر آنها از این لحاظ بود که مبدا هواداران اسلام نفوذی در دربار "نجاشی" پیدا کنند و تمایلات باطنی او را به اسلام جلب نمایند و در نتیجه با سپاهی نیرومند حکومت بت پرستی را از شبه جزیره برافکنند. بدین ترتیب برای بازگرداندن آنها به مکه و آزار ایشان انجمنی تشکیل دادند و قرار شد دو نفر از افراد سخنور و زیرک قریش به دربار نجاشی اعزام و شاه را ترغیب کنند تا مهاجرین را از حبشه اخراج کند. برای این منظور "عبدالله بن ابن ربیع" و "عمرو بن عاص" را انتخاب کرده و با هدایای بسیار برای نجاشی و درباریان او، به حبشه روانه کردند. آنها در ملاقات با هیأت وزیران گفتند: گروهی کم‌خردان از میان ما دین ملت خود را ترک کرده‌اند و در عین حال دین نجاشی را هم نپذیرفته‌اند و یک دین ساختگی که ما و شما آن را نمی‌شناسیم برای خود انتخاب کرده‌اند؛ اعیان و اشراف قوم آنها ما را نزد شما فرستاده‌اند که آنها را برگردانیم. آنها از یاران پادشاه خواستند که بدون این که شاه آنها را ملاقات یا با آنها گفت و گو کند، مهاجران مسلمان را به مکه برگردانند. درباریان نزد نجاشی حاضر شدند و مقصود خود را بیان نمودند و رأی دادند که مسلمین را تسلیم فرستادگان مکه کنند. پادشاه غضب کرد و گفت: «به خدا سوگند من هرگز مردمی را که به من پناه آورده و در کشور من زیست کرده و مرا بر دیگران برتر دانسته‌اند، تسلیم نمی‌کنم؛ مگر بعد از بحث و تحقیق که اگر آن دو نماینده راست گفته باشند، آنها را تسلیم کنم و اگر خلاف آنها باشد، من آنها را پناه می‌دهم و در جوار و پناهندگی آنان نیکی می‌کنم.» نجاشی سپس دستور داد تا مهاجران در مجلس حاضر شوند. او رو به مهاجران کرد و گفت: «این چه دینی است که به سبب آن شما از قوم خود جدا شده‌اید و در عین حال دین مرا هم نپذیرفته و دین هیچ یک از ما را نیز قبول نکرده‌اید؟ "جعفر" گفت: «ای پادشاه، ما مردمی گمراه بودیم که بت‌ها را پرستش می‌کردیم و مردار می‌خوردیم، مرتکب کارهای زشت می‌شدیم، صلح رحم نمی‌کردیم و همسایه را آزار می‌دادیم... تا آن که خداوند متعال برای ما پیغمبری فرستاد و ما نسب او را خوب می‌شناسیم و او را راستگو و امین می‌دانیم. او ما را به عبادت خدای یگانه دعوت کرد که هیچ چیز را با خدا شریک نکنیم و پرستش بت‌ها را ترک گوئیم. او به ما امر کرد که راست بگوئیم و امانت‌داری کنیم، همسایه و پناهنده را نیک بداریم و از کارهای زشت و خون‌ریزی بپرهیزیم، از ارتکاب کارهای بد و زورگویی و خوردن مال یتیم دوری کنیم. او ما را به نماز امر کرد ... پس ما به او ایمان آوردیم و ایشان را تصدیق کردیم. آن چه را که بر ما حرام کرده، حرام دانستیم. و آن چه را حلال شمرده پذیرفتیم. قوم ما به همین خاطر بر ما ستم نموده و مانع دین‌داری ما شدند و به کشور شما آمدیم و شما را از دیگران برتر و بهتر دانستیم و امیدوار هستیم که نزد تو ستم بر ما روا نباشد.» نجاشی گفت: آیا از آن چه پیغمبر بر شما آورده چیزی به خاطر داری؟ جعفر گفت: آری. نجاشی گفت: بخوان! جعفر شروع به خواندن قسمتی از آغاز سوره‌ی «که‌یعص» کرد، "ام‌سلمه" می‌گوید: نجاشی از شنیدن آیات قرآن چنان گریست که قطرات اشک ریش انبوه و صورتش را فرا گرفت... پس از چند روز عمرو بن عاص به نزد نجاشی آمد و گفت: «اعلیٰ حضرت! این بی‌خبران درباره‌ی "عیسی" سخن عجیبی می‌گویند، شما کسی را به نزد ایشان نفرستید و سخن ایشان را درباره حضرت عیسی جویا شوید! فرستاده نجاشی به نزد مهاجرین آمد. چون مهاجرین به نزد نجاشی آمدند، رو به ایشان کرده و گفت: شما درباره‌ی عیسی بن مریم چه می‌گویید؟ جعفر بن ابی‌طالب گفت: «... ما معتقدیم که حضرت عیسی بنده و پیامبر(ص) و روح خدا و کلمه‌ی الهی است که به مریم بتول داده شده است.» نجاشی دست خود را به طرف چوبی که روی زمین بود دراز کرده آن را برداشت و گفت: «به خدا سخنی که تو درباره‌ی عیسی گفتی با حقیقت فاصله ندارد.» پس به مهاجرین گفت: «شما با خیالی آسوده به هر جای حبشه که می‌خواهید بروید و بدانید که در امان ما هستید.» مهاجرین در حبشه بودند، تا این که رسول خدا(ص) "عمرو بن امیه صخری" را با نامه‌ای به سوی نجاشی فرستاد و نجاشی پس از رسیدن نامه‌ی حضرت جمعی از آنها را در دو کشتی جای داده و به وطن خویش فرستاد. مهاجرین پس از فتح خیبر به مدینه رسیدند و چون چشم رسول خدا(ص) به جعفر بن ابی‌طالب افتاد، او را در بر گرفت و میان دیدگانش را بوسیده و فرمود: «نمی‌دانم از فتح خیبر یا از ورود جعفر شاد باشم.» (دوانی، ۱۳۸۴: ۲۱۶)



فرستاده شد و نجاشی دعوت به اسلام را پذیرفت و تحفه ها و هدیه هایی نیز بازپس فرستاد.<sup>۱</sup> بعدها، هنگامی که خبر درگذشت نجاشی به پیامبر(ص) رسید، حضرت در مدینه بر وی نماز میت غایب خواندند.

بلال از شخصیت های مشهور تاریخ صدر اسلام و از یاران نزدیک پیامبر، که به پیامبر اسلام ایمان آورده و در راه ایمانش شکنجه های فراوانی را متحمل شد نیز از مردمان حبشه بود که پس از اسارت به عربستان انتقال یافته و در سلک اصحاب بزرگ حضرت محمد (ص) و مؤذن مسلمانان جای گرفت. علاوه بر آن که اسلام در سال های نخستین در حبشه راه یافت و منجر به سکونت دائمی گروهی از پناهندگان مسلمان در این کشور شد، برخی از مسلمانان نیز در دوره خلفای اموی به حبشه مهاجرت کردند. روند گسترش اسلام در اتیوپی در قرون بعد نیز ادامه یافت بطوری که مسلمانان طی قرن های ۱۵ تا ۱۷ میلادی، دولت شهرهای مستقلی در شرق فلات اتیوپی تأسیس کردند. با این حال به علت

<sup>۱</sup> نامه پیامبر(ص) به نجاشی چنین بود :

بسم الله الرحمن الرحيم

از محمد، فرستاده خدا، به نجاشی، پادشاه حبشه .

سلام بر تو. من خدایی را که جز او خدایی نیست ستایش می کنم؛ خدایی که فرمانرواست و از هر عیبی منزّه است، و خدایی که «سلام» است، بندگان فرمانبردارش از خشم او در امان اند و بر بندگانش ناظر و گواه است. گواهی می دهیم که عیسی بن مریم روحی است از جانب خدا و کلمه ای است که خداوند او را در وجود مریم قرار داد. مریمی که زاهد و پاک و پاکدامن است. خداوند با همان نیرویی که آدم را بدون پدر و مادر آفرید، عیسی را نیز بدون پدر، از رحم مادرش به وجود آورد. من تو را به سوی خدای یگانه و بی شریک دعوت می کنم و از تو می خواهم که پیوسته مطیع و فرمانبردار او باشی و از آیین من پیروی کنی و به خدایی که مرا مبعوث کرده است ایمان و یقین داشته باشی. همانا من فرستاده خدایم و تو و مردمانت را به سوی خداوند عزیز و با عظمت دعوت می کنم.

من با این نامه رسالتم را ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم. خیر خواهی ام را بپذیرید. درود بر پیروان هدایت .

نجاشی پس از خواندن نامه مهرآمیز و روشنگرانه و خیرخواهانه پیامبر قدری با سفیر پیامبر مذاکره کرد و چنین گفت :

گواهی می دهیم که او همان پیامبر است که «اهل کتاب» در انتظارش هستند. من حاضرم نبوت پیامبر را به عموم مردم هم ابلاغ کنم، ولی در شرایط فعلی زمینه این کار فراهم نیست. اگر امکان داشت خودم به سوی او می شتافتم.

نجاشی در پاسخ نامه پیامبر نامه ای متواضعانه نوشت: «گواهی می دهیم شما فرستاده خدا و شخصی راستگوئید که کتاب های آسمانی، او را تصدیق می کنند. پس در حضور پسرعموی شما جعفر بن ابیطالب اسلام آوردم و بیعت کردم.

نجاشی فرزندش، رازها، را همراه نامه و هدایایی گرانبها برای ابلاغ پیام خود به محضر پیامبر فرستاد.



اختلافات قومی از اتحاد چندانی با یکدیگر برخوردار نبودند و به ناچار برای در امان ماندن از تهاجم مسیحیان، هزینه سنگینی را به حکومت حبشه می پرداختند. در دهه دوم قرن ۱۶ میلادی، امام احمد بن ابراهیم الغازی (القاضی) تمامی مناطق مسلمان نشین را با یکدیگر متحد کرد و در برابر حکومت قد علم نمود. اما با شکست در برابر ارتش اتیوپی در سال ۱۵۲۹، به جزیره ای در دریاچه تانا (در شمال غربی اتیوپی) گریخت و سرانجام در سال ۱۵۴۳ در نبرد با قوای مجهز ارتش پرتغال کشته شد. با کشته شدن امام احمد ابن ابراهیم بار دیگر وحدت مسلمانان این کشور از بین رفت و آنان بار دیگر تحت فشار مسیحیان و دولت قرار گرفتند و این وضعیت تا قرون معاصر و تا زمان روی کار آمدن امپراتور هایلا سلاسی و حمله ایتالیا به اتیوپی ادامه یافت. در واقع مسلمانان در قرون هفده تا اوایل قرن بیستم با محدودیت های زیادی از سوی حکام و قبایل مسیحی مواجه و به عنوان شهروندان درجه دوم از بسیاری از حقوق خود محروم گشته بودند بطوری که تعدادی از مدارس قدیمی قرآنی و اسلامی تعطیل گردید. مسلمانان اجازه نداشتند مراسم و مناسبت های دینی خود را بصورت عمومی اجراء نمایند و قضاوت در مورد آنان نیز بر عهده قضات مسیحی بود. احداث مساجد و تعمیر مساجد موجود نیز برای مسلمانان ممنوع گشته بود و آنها به سختی می توانستند در موعد حج رهسپار سرزمین عربستان شوند.

### **اوضاع مسلمانان در زمان اشغال اتیوپی توسط ایتالیا**

پس از حمله ایتالیا به اتیوپی و اشغال این کشور در سال ۱۹۳۶ میلادی مسلمانان مورد حمایت کامل اشغالگران ایتالیایی قرار گرفتند و تمامی محدودیت هایی که طی چند سده گذشته بر آنها اعمال شده بود ملغی گشت. البته سیاست ایتالیای فاشیست در اتیوپی، همان گونه که سباچی مورخی ایتالیایی آن را بر مبنای منافع نظامی - سیاسی موسسینی توصیف کرده است، تنها جلب حمایت مسلمانان برای نیل به اهداف استعمار ایتالیا بود. در واقع رهبر ایتالیا از شرایط دشواری که مسلمانان در زمان امپراتوران اتیوپی داشتند، برای دستیابی به اهداف خود در این سرزمین استفاده کرد. سباچی منافع



چند جانبه ای که ایتالیا برای مسلمانان فراهم کرد را به این شرح بیان کرده است: "پس از اشغال اتیوپی آزادی کامل مذهبی به مسلمانان اعطا گردید، قاضی مسلمان جانشین دادرس امهارا شد. زبان عربی در مدارس مسلمانان به طور رسمی تدریس گردید. تمامی روزنامه ها در قلمروی امپراتوری ایتالیا دارای بخش عربی بود و رادیو ایتالیا نیز به زبان عربی برنامه پخش می کرد. روسای جدید برای مسلمانان انتخاب شده و در مراسم رسمی، برای آنان جایگاه مخصوص در نظر گرفته می شد" تقسیمات اداری و کشوری جدیدی به منظور ایجاد وحدت دینی و قومی در میان مردم مسلمان تشکیل گردید. ایتالیایی ها در مراکز استقرار مسلمانان مساجد جدیدی احداث نموده و مساجد قدیمی را تعمیر و احیا نمودند. به دستور مستقیم موسلینی، مسجد جامع بزرگی در آدیس آبابا احداث گردید و ایتالیایی ها بودجه ساخت پنجاه مسجد جدید سنگی و احیای شانزده مسجد قدیمی را نیز تأمین کردند و دانش آموزان مسلمان را به ادامه تحصیل در مدارس اسلامی، همچون مدرسه اسلامی حرار تشویق کردند. دولت ایتالیا در سال ۱۹۳۹ میلادی هزینه ۳۵۸۵ نفر از مسلمانان را برای سفر حج تأمین نمود و امکانات لازم برای سفر رهبران مسلمان اتیوپی از قبیل سلطان اباجیر و شیخ عیسی را به مصر و سایر کشورهای عربی فراهم ساخت.

این نمونه های توجه و خیرخواهی ایتالیایی ها نسبت به اسلام، تأثیر مثبت و پایداری بر مسلمانان اتیوپی برجای نهاد. این اقدامات که نقطه مقابل بی توجهی و تحقیر مسلمانان در دوران های پیشین (و حتی پس از آن) بود خاطره خوشی در اذهان مسلمانان باقی گذاشت بطوری که دوره حاکمیت ایتالیا بر اتیوپی در میان مسلمانان این کشور به عنوان دورانی از احساس خوش آزادی و به دور از هرگونه تبعیض و ستم تلقی می شد. البته در بدو امر و با توجه به سابقه بی رحمی و شقاوت ایتالیایی ها نسبت به مسلمانان لیبی، برخی از رهبران مسلمان اتیوپی به این خیرخواهی به دیده شک و تردید می نگریستند با این حال پیروان دین اسلام در مدت اشغال کوتاه مدت این کشور توسط ایتالیا، علیه اشغالگران واکنشی نشان ندادند که به نوعی اعتراض علیه محدودیت های اعمال شده بر آنها توسط



حاکمان این سرزمین در سده های گذشته بود. در حقیقت مسلمانان اتیوپی که بمدت چند قرن از جهان اسلام منزوی گشته بودند، مسیحیان کاتولیک ایتالیا را به عنوان منجی خود در نظر گرفته و وضعیت موجود را با سال های قبل که به عنوان بیگانگانی تلقی شده و تحت تبعیضات آشکار و پنهان و انواع مختلف ستم و سرکوب قرار داشتند مقایسه می کردند.

### **مسلمانان در دوره دوم حاکمیت امپراطور هایله سلاسی**

با خروج ایتالیا از کشور اتیوپی در سال ۱۹۴۱ و بازگشت دوباره هایلا سلاسی به سلطنت، دور جدیدی از آزار و اذیت مسلمانان آغاز شد. پیروان دین اسلام، خائن و همدست دشمن خوانده شدند و برخی از رهبران مسلمان به اتهام همکاری با اشغالگران اتیوپی محبوس و زندانی شدند. با این حال پادشاه اتیوپی پس از مدتی کوتاه و پس از انسجام امور درصدد دلجوئی از مسلمانان برآمده و به منظور حفظ وحدت ملی، اقداماتی انجام داد تا رضایت مسلمانان را حتی بصورت ظاهری جلب نماید. یکی از این اقدامات موافقت با ادامه فعالیت دادگاه های شریعت اسلامی بود که در دوره حاکمیت ایتالیا و برای رسیدگی به دعاوی حقوقی در زمینه های ازدواج، طلاق، ارث و وقف مسلمانان تاسیس شده بود. حکومت همچنین برخی آزادی ها در مورد فعالیت های دینی مسلمانان را نیز به جامعه اسلامی این کشور اعطا نمود.

با وجود برخی اقدامات ظاهری هایلا سلاسی، محدودیت هایی که از قدیم الایام علیه مسلمانان اعمال می گشت مجددا در دستور کار دولت قرار گرفت. به دستور پادشاه مقررات مربوط به مسلمانان از قانون مدنی ۱۹۶۰ حذف گردید و هرچند در پیش نویس قانون مدنی که بدون مشورت مسلمانان تهیه شده بود، فصلی به عنوان مقررات ویژه مسلمانان در نظر گرفته شده بود، اما این فصل در زمان انتشار قانون مدنی حذف گردید. دولت برای سفر زیارتی مسلمانان به حج نیز محدودیت های جدی ایجاد نمود و از مسافرت برخی از رهبران با نفوذ مسلمان همچون مفتی سراج، مفتی محمد امان و شیخ محمدصادق به خارج از کشور ممانعت بعمل آورد. مسلمانان همچون گذشته، نه به عنوان



شهروندانی که مانند هموطنان مسیحی از حقوق برابر بهره مند می باشند، بلکه به عنوان اتباع حکومت مسیحی تلقی شدند. انجام اعمال دینی به طور علنی و احداث مسجد ممنوع گردید. امکان دستیابی به زمین برای مسلمانان دشوار گردید و مسلمانان همچون گذشته از خدمات دولتی و نظامی محروم گشتند. میزان این محدودیت های جدید به اندازه ای بود که حتی استخدام مسلمانان در درجات پایین نظامی، منوط به مسیحی شدن آنها بود. میزان ثبت نام دانش آموزان مسلمان در مدارس دولتی و مراکز دانشگاهی که با سیستم مسیحی اداره می شدند نیز بسیار کاهش یافت و وزارت کشور از ثبت موسسات و سازمان های اسلامی خودداری می کرد.

ممنوعیت استفاده از زبان عربی در مدارس دولتی، تبلیغ دین مسیحیت تحت پوشش تعالیم اخلاقی، استمرار محدودیت فعالیت مدارس اسلامی در روزهای جمعه و نادیده گرفتن اعیاد و تعطیلات دینی مسلمانان از دیگر اقداماتی بود که در دوره هایلا سلاسی ادامه یافت.

### **مسلمانان در دوره حاکمیت نظامیان (رژیم درگ) :**

برغم تحولات عظیمی که در سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ در سراسر کشور اتیوپی پدید آمد، مسلمانان در آستانه کودتای نظامی سال ۱۹۷۴ همچنان داغ قدیمی همکاری با تجاوز خارجی را بر پیشانی خود داشتند و پیروان دین اسلام در اتیوپی به عنوان بیگانگانی که اقلیت کوچکی از جمعیت کشور را تشکیل می دادند محسوب می شدند. از این روی پس از استقرار نظامیان بر کشور، مسلمانان بطور جدی خواهان تغییر وضعیت زندگی خود شده و خشم و نارضایتی خود را در تظاهرات عظیم ۲۰ آوریل ۱۹۷۴ نمایان ساختند. این تظاهرات که برای نخستین بار با حضور طبقات مختلف جامعه مسلمان و به وسیله علماء و دانشجویان مسلمانی که به تازگی از کشورهای مسلمان همسایه به وطن بازگشته و تحت عنوان انجمن جوانان مسلمان اعلام موجودیت کرده بودند سازماندهی شده بود بسیار





تاثیرگذار بود و برای اولین بار مسلمانان با توسل به قانون خواستار کسب حقوق مدنی خود شدند<sup>۱</sup>.  
در این تظاهرات، مسلمانان خواسته هایی را در سیزده بند مطرح نمودند:

۱- حمایت دولت از دین اسلام در قانون اساسی بیان و درعمل به اجرا در آید.  
۲- دولت به مسلمانان اجازه دهد تشکیلات دینی منسجمی تاسیس نمایند.  
۳- دادگاه های شریعت با بودجه معین موجودیت مستقل یافته و در قانون اساسی اصلاحی ذکر گردد.

۴- تعطیلات و اعیاد اسلامی به طور رسمی مراعات گردند.

۵- تشکیل انجمن جوانان مسلمان و انجمن زنان مسلمان رسمیت یابند.

۶- حق تملک زمین به مسلمانان اعطا گردد.

۷- مالکیت مسلمانان بر برخی اراضی کشاورزی جنبه قانونی یابد.

۸- اشتغال مسلمانان اتیوپی در امور اداری، قضایی، خدمات سیاسی، ارتش و خدمات دولتی امکان پذیر شود.

۹- دولت باید از تبلیغ و ترویج اسلام حمایت و برای امور تبلیغی بودجه ای تخصیص دهد. همچنین فعالیت مبلغان مسلمان سایر کشورهای اسلامی در کشور جنبه قانونی یابد.

۱۰- تعلیم و تبلیغ اسلام از طریق پخش برنامه هایی در رسانه های گروهی صورت پذیرد.

---

<sup>۱</sup>البته این تظاهرات واکنش کلیسای ارتدوکس را بدنبال داشت و نمایندگان ۴۲ کلیسا اعتراض خود را نسبت به تظاهرات مسلمانان و مطالبی که راجع به مسیحیت اتیوپی بیان شده بود به رهبر کلیسای ارتدوکس اتیوپی ابراز داشته و اعلام نمودند از روزگار باستان اتیوپی جزیره مسیحیت بوده است!



۱۱- عبارت "مسلمانان اتیوپی" جایگزین اصطلاح "مسلمانان مقیم اتیوپی" گردد.

۱۲- تعالیم اسلامی در تمامی مدارس تدریس شود.

۱۳- مسلمانان از حق احداث مسجد و معافیت گمرکی برای خرید برخی کالاهای مورد نیاز خویش برخوردار گردند.

برخورد نظامیان با خواسته های مسلمانان منطقی بود و پس از برگزاری جلساتی بین دولتمردان و رهبران مسلمان کشور، دولت تسهیلاتی را برای جوامع اسلامی اتیوپی در نظر گرفت. یکی از نخستین نتایج این جلسه، انحلال کمیته ای بود که از زمان رژیم سلطنتی دو مسجد بزرگ شهر آدیس آبابا یعنی مساجد انور و نور (بنی صفر) را اداره می کرد.

در ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۵ نیز شورای نظامی موقت حاکم بر کشور اعلام کرد که تعطیلات مذهبی و ملی را برای مسیحیان و مسلمانان رعایت خواهد کرد و بر همین اساس برای نخستین بار، عید قربان (عید الاضحی) به عنوان تعطیل رسمی در نظر گرفته شد. همچنین سال روز ولادت پیامبر اسلام (ص) برای اولین بار در روز سه شنبه ۲۴ مارس ۱۹۷۵ به عنوان تعطیل رسمی در سرتاسر کشور اعلام شد و شرایط مساعدتری برای سفر مسلمانان به عربستان در موسم حج بوجود آمد. انتصاب مسلمانان به مقامات عالی دولتی، هیات های دیپلماتیک و ارتش نیز در دستور کار شورای نظامیان درگ جای گرفت و در حالی که در دوران سلطنتی حتی یک وزیر مسلمان در دولت وجود نداشت و از میان ۱۳۸ مقام بلند پایه دولتی، تنها شش پست به مسلمانان تعلق داشت؛ محمد عبدالرحمان به وزارت بازرگانی، صنعت و جهانگردی منصوب شد. همچنین ناخدا حسن سعید به مدیریت شرکت کشتیرانی اتیوپی، یوسف احمد به وزارت راه و ترابری و حسین اسماعیل به ریاست وزارت آموزش و پرورش کشور تعیین گردیدند. چهار مسلمان نیز به عنوان اعضای دائمی کمیته مرکزی کمیسیون حزب کارگران اتیوپی انتخاب شدند.



مسلمانان اتیوپی همچنین برای نخستین بار به ایفای نقش موثری در اقتصاد و امور عام المنفعه کشور پرداختند. در دسامبر ۱۹۷۴ کمیته کمک به قحطی زدگان مسلمان تاسیس گردید و در ژانویه ۱۹۷۵ مسلمانان اتیوپی مبلغ قابل توجهی به قربانیان قحطی آن سال کمک کردند. در ژوئیه ۱۹۷۸ هیاتی متشکل از حاج محمد ثانی، حاج عمر حسین رئیس دادگاه های شریعت، حاج عبدالرحمن ابوبکر رئیس اداره مساجد و محمد رجاء به مدت دو هفته به اتحاد جماهیر شوروی سفر نمودند و پس از دیدار از شهرهای مسکو، لنینگراد و برخی جمهوری های آسیای مرکزی به کشور بازگشتند. در فوریه ۱۹۷۹ نیز امام مسجد جامع انور، به مناسبت عید فطر رسماً از مومنان درخواست نمود در اقدامات کمیته کمک به قحطی زدگان مشارکت نمایند. همچنین رهبران مسلمان به منظور جمع آوری کمک به برخی از کشورهای اسلامی سفر نمودند. در سال ۱۹۸۱ نیز هیاتی از رهبران مسیحی و مسلمان اتیوپی در کنفرانسی مذهبی که در مسکو برگزار گردید حضور یافتند.

با وجود این اقدامات، به تدریج ظاهری بودن سیاست شورای موقت نظامی و دولت سرهنگ هایله ماریام علیه مسلمانان آشکار گردید. یکی از نمونه های بارز این امر انجام اصلاحات ارضی در کشور بود که هرچند در ابتدا به سود دهقانان مسلمان جنوب اتیوپی به نظر می رسید و دولت این گونه وانمود می کرد که دهقانان عموماً مسلمان این ناحیه را از استثمار قبیله امه‌ها را به عنوان صاحبان زمین آزاد کرده است؛ با این حال اقدامات بعدی دولت برای ایجاد مزارع اشتراکی موجب گردید که حمایت اولیه دولت از اصلاحات ارضی منتفی گردد. ایجاد مزارع اشتراکی و اصلاحات ارضی در شمال، به ویژه برای دهقانان مسلمان مصیبت بار بود زیرا قانون اصلاحات ارضی استخدام نیروی کار را ممنوع می کرد و این امر موجب شد مالکان دهقانان را از زمین خود بیرون نمایند. از این روی دولت مجبور شد اردوگاه هایی برای دهقانان مسلمان گجام<sup>۱</sup> بر پای نموده و ناخواسته آنان را در مکانی دیگری مستقر نماید.

<sup>1</sup> Gojjam



کمیسیون تدوین قانون اساسی سال ۱۹۷۵ نیز با وجود آن که از لحاظ تعداد اعضا بسیار گسترده بود فقط یک نماینده از جامعه مسلمان اتیوپی را به عضویت پذیرفت. این در حالی بود که کلیسای ارتدوکس اتیوپی در مقام اعتراض به حضور یک عضو مسلمان در کمیسیون تدوین قانون اساسی اعلام کرد در حالی که از ابقای زبان امهری به عنوان زبان رسمی کشور که در ماده ۴ پیش نویس قانون اساسی پیش بینی شده بود استقبال می کند بر این نکته اصرار دارد که قانون اساسی باید تصریح نماید مذهب ارتدوکس اتیوپی، مذهب رسمی کشور خواهد بود!

در سال تحصیلی ۱۹۷۶-۱۹۷۵ میلادی نیز انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان دانشگاه آدیس آبابا که مدت کوتاهی پیش از آن تاسیس شده بود به دستور مستقیم وزیر کشور تعطیل گردید.

تلاش های مستمر مسلمانان برای شناسایی قانونی مجلس اعلاى امور اسلامی اتیوپی نیز در دوران حکومت نظامیان به نتیجه نرسید و هرچند این مجلس عملاً موجودیت و فعالیت داشت ولی وزارت کشور از ثبت قانونی آن خودداری بعمل آورد. در اوایل سال ۱۹۸۰ نیز علی موسی تنها عضو مسلمان شورای نظامی درگ و حسین اسماعیل از کمیته مرکزی حزب کارگران اتیوپی کنار گذاشته شدند. همچنین مسلمانان عمیقاً از اینکه کمیته حج، همچون دوره هایله سلاسی تحت کنترل مستقیم وزارت کشور و امنیت عمومی قرار داشت و کلیه اقدامات کمیته از قبیل ثبت نام متقاضیان و پیگیری تشریفات سفر تحت نظارت شدید این وزارتخانه صورت می گرفت ناراضی بودند.

علاوه بر آن علیرغم واگذاری برخی پست های دولتی و سیاسی به مسلمانان، باز هم درصد آنها در مقایسه با مقامات مسیحی بسیار اندک بود. مسلمانان همچنین از فقدان تشکیلات و زیرساخت های اساسی در سطح ملی در رنج بودند و دولت هیچ اقدامی برای ایجاد زیرساخت های مدنی جوامع اسلامی صورت نداد. جدای از آن درخواست های مربوط به شناسایی رسمی سازمان های اسلامی نیز در این دوره همواره به دلیل فشارهای کلیسا با مخالفت مواجه می شد.



## وضعیت کنونی مسلمانان اتیوپی (دهه های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی به بعد)

پس از سرنگونی دولت هایله ماریام و ایجاد فضای باز سیاسی در کشور اتیوپی؛ تغییراتی در وضعیت مسلمانان و نحوه مشارکت آنها در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور پدید آمد. در راستای سیاست دولت انقلابی جدید برخی از مسلمانان که از اعضای حزب جبهه انقلابی خلق اتیوپی محسوب می شدند به پست ها و مسئولیت های بالایی در کشور دست یافتند و برخی محدودیت هایی که در دوره حاکمیت نظامیان بر آنها اعمال می شد برطرف گردید. تاسیس نشریات اسلامی، پخش برنامه های اسلامی از شبکه های رادیو تلویزیونی کشور، تاسیس سازمان ها و موسسات اسلامی و ثبت آنها در وزارت کشور، ایجاد ارتباط با سازمان های بین المللی اسلامی و جذب برخی کمک ها و مساعدت ها از طریق سازمان کنفرانس اسلامی از شاخص ترین اقدامات دولت در اعطای آزادی به مسلمانان کشور بوده است.

دولت اتیوپی همچنین با ارتقاء جایگاه مجلس عالی امور اسلامی اتیوپی، این سازمان را به عنوان عالی ترین سازمان اسلامی کشور به رسمیت شناخت و از این طریق چالش های داخلی سازمان ها و گروه های اسلامی مختلف را برای به دست گرفتن قدرت در سطح جامعه اسلامی کشور خاتمه داد. در راستای این امر در سپتامبر ۱۹۹۱ تجدید ساختار اساسی مجلس عالی امور اسلامی اتیوپی آغاز گردید. علاوه بر آن طی سه دهه اخیر مسلمانان از نظر حقوق شهروندی نیز به جایگاه مطلوبی دست یافته اند. در قانون اساسی جدید اتیوپی دادگاه های شریعت اسلامی، رسیدگی به وضعیت مراکز اسلامی، آموزش زبان عربی و برابری در بین ادیان موجود در کشور و به رسمیت شناختن تعطیلات مذهبی مسلمانان نیز مورد توجه قرار گرفته اند.

با این وجود روابط دولت و مسلمانان از اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی دستخوش فراز و نشیب هایی جدی شده است که به تبع آن بر وضعیت سیاسی و اجتماعی آنان نیز تاثیرگذار بوده است. از جمله این مشکلات می توان به اعتراض عموم مسلمانان به عملکرد کمیته حج و عمره اشاره کرد. مسلمانان دفتر



کمیته حج و عمره را به اخذ رشوه از برخی مقامات رژیم سابق و ثروتمندان متهم می نمایند که با پرداخت مبالغ هنگفت به مدیران این کمیته و مقامات دولتی بطور غیر قانونی از کشور خارج می شوند. رهبران مسلمان همچنین مسئولان اداره مهاجرت را به بی اعتنایی و سوء تدبیر در مورد زنان و مردان جوانی که در پوشش سفر حج کشور را ترک نموده و پس از ورود به عربستان سعودی به عنوان خدمه محلی مشغول بکار می شوند متهم می سازند و تاکید دارند بسیاری از دختران جوانی که بدین گونه در منازل ثروتمندان عربستان استخدام می شوند مورد تجاوز اربابان خود قرار گرفته و در برخی موارد نیز به قتل می رسند.

دولت اتیوپی همچنین از اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی و اوج گیری اقدامات تروریستی سازمان القاعده در برخی کشورهای شرق آفریقا و بویژه حضور نیروهای وابسته به القاعده در سومالی، برخی از مسلمانان و سازمان های اسلامی کشور را به ارتباط با عوامل این سازمان تروریستی متهم ساخته اند. در این ارتباط طی سال های اخیر و بدنبال فاش شدن طرح ترور حسنی مبارک در آدیس آبابا در سال ۱۹۹۵ تعدادی از مسلمانان به جرم دخالت در این توطئه و افراطی گری اسلامی دستگیر و زندانی شده اند و فعالیت برخی سازمان ها و مراکز اسلامی نیز محدود گردید. دخالت دولت در امور داخلی مجلس اعلی امور اسلامی اتیوپی و تلاش برای روی کار آوردن افراد وابسته به خود نیز طی سال های اخیر تنش های شدیدی را بین جامعه اسلامی و دولت بوجود آورده و موجب بروز اعتراضاتی در قالب تظاهرات و میتینگ های سیاسی در آدیس آبابا و دیگر شهرهای کشور شده است. مسلمانان در این تظاهرات که طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ بارها برگزار شده است خواهان آزادی زندانیان خود اعم از علماء و رهبران مسلمان شده و دولت را به سرکوب آزادی های فردی و اجتماعی مسلمانان به بهانه مبارزه با تروریسم متهم ساخته اند. علاوه بر آن برخی از جوامع اسلامی اقدام به تاسیس مجالس اسلامی محلی نموده و از تبعیت از مجلس اعلی امور اسلامی بدلیل وابستگی به دولت سرباز زده اند.



محدودیت های ایجاد شده در فضای مجازی در دهه گذشته و از زمان آغاز نهضت بیداری اسلامی در شمال آفریقا از دیگر اقدامات دولت علیه مسلمانان اتیوپی است و دولتمردان از اینکه پیروان دین اسلام در این کشور نیز همچون کشورهای مصر و تونس و لیبی درصدد سرنگونی دولت فعلی برآیند در هراس بودند که انقلابی در اتیوپی صورت نگیرد، هرچند که در آن ایام اعتراضات زیادی توسط مسلمانان به طبقه حاکم صورت پذیرفت.

البته از سال ۲۰۱۸ با روی کار آمدن نخست وزیر دکتر ابی احمد علی، وضعیت مسلمانان رو به بهبود نهاد و چند وزیر مسلمان در کابینه ایشان مشغول بکار شدند و همچنین حاج عمر ادیس توسط نخست وزیر به عنوان مفتی مسلمانان اتیوپی شان و جایگاه مسلمانان در این کشور رو به فزونی نهاد. در سال ۲۰۱۹ شورای عالی امور اسلامی اتیوپی از تصویب اعلامیه ای که شخصیت حقوقی به آنان اعطا می نماید خبر داد و گفت با پیگیری های صورت گرفته، تلاش بیش از شش دهه مسلمانان اتیوپی به ثمر نشست و از این موضوع ابراز خوشحالی نمود.

حاج عمر ادیس مفتی مسلمانان اتیوپی در بیانیه ای اعلام کرد که اگرچه جامعه ی مسلمانان اتیوپی مدت طولانی با سایر مؤمنین در این کشور زندگی نموده اند، اما دولت های گذشته در خصوص اعطای شخصیت حقوقی به آنها پاسخ ندادند.

در پایان سلطنت امپراتور هیله سلاسی اول، جامعه مسلمانان راهپیمایی طولانی و مسالمت آمیز را با شروع از مسجد انور و با هماهنگی شهرداری مناطق فیلوهه با هدف تحقق سیزده درخواست مسلمانان از پادشاه برپا کرده بودند، اما هیچ کدام از درخواستها تا قبل از سرنگونی امپراطور مورد اجابت قرار نگرفت. از جمله آن درخواستهایی که مطرح شده بود، داشتن یک سازمان مشروع برای مسلمانان، برگزاری جشن تعطیلات مذهبی به عنوان روزهای ملی، قانونی شدن دادگاههای شریعت و مجوز تأسیس بانک اسلامی بود.



برای اولین بار در دوران رژیم درگ ( حکومت هایله ماریام ) به درخواست های جامعه مسلمانان پاسخ داده شد که طی آن سه تعطیلات اسلامی به عنوان تعطیلات ملی جشن گرفته شد و همچنین به موضوع تأسیس شورای عالی مسلمانان نیز به صورت شفاهی پاسخ داده شده است.

اما اکنون شرایط تغییر نموده و دولت به خواسته های مسلمانان پاسخ روشن داده و ترجیح می دهد که از پتانسیل مسلمانان در توسعه کشور در کنار دولت و سایر ادیان دیگر بهره ببرد.

از دیگر اتفاقات خوشایندی که برای جامعه مسلمان اتیوپی طی دو سال اخیر روی داد، تأسیس بانک های اسلامی بدون بهره در اتیوپی بود که میتوان به بانک هجره و زمزم اشاره کرد.

بانک زمزم، اولین موسسه بانکی کامل اسلامی شناخته شده در اتیوپی می باشد، این بانک بعد از موافقت نخست وزیر ابی احمد، مجوز خود را از بانک مرکزی اتیوپی دریافت کرد و راه را برای عملیاتی کردن یک عملیات بانکی تمام عیار اسلامی در اتیوپی آغاز نمود. البته لازم به ذکر است که موسسات در بخش های بانکی اتیوپی از سال ۲۰۱۱ خدمات بانکی بدون ربا را برای مشتریان خود ارائه می دادند اما تا کنون هیچ بانکی اجازه ایجاد یک بانک کاملاً اسلامی را نداشته است.





## منابع:

- [www.selamta.net/ethiopian Muslims history.html](http://www.selamta.net/ethiopian%20Muslims%20history.html)
- <https://core.ac.uk/download/pdf/192600557.pdf>
- [https://openaccess.leidenuniv.nl/bitstream/handle/1887/17331/ISIM 4 Ethiopian Islam and the Challenge of Diversity.pdf?sequence=1](https://openaccess.leidenuniv.nl/bitstream/handle/1887/17331/ISIM_4_Ethiopian_Islam_and_the_Challenge_of_Diversity.pdf?sequence=1)
- <https://eprints.soas.ac.uk/17036/1/Haustein-Ostebo%20JEAS%20final%20accepted%20version%20%28OA%29.pdf>